

زنان و وقف (نمونه موردی: شهر تهران در دوره های قاجاریه و پهلوی)

دکتر پروانه شاه حسینی^۱، هاله معیری^۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۲/۰۸، تاریخ تایید: ۱۳۹۷/۰۹/۳۰

چکیده

مشارکت و فعالیت‌های داوطلبانه افراد در رفق و فتق امور مختلف به ویژه در امور حمایتی و فقرزدایی، همواره بخشی از فعالیت‌های بشر را به خود اختصاص داده است. موضوعی که فراهم آورنده پایداری و بقای نظم و انسجام اجتماعی و به تبع آن تنظیم اجتماعی است. یکی از راه‌های مشارکت اجتماعی، وقف است که گروه‌های اجتماعی از جمله زنان با انگیزه‌های مختلف، بدان مبادرت می‌ورزند. هدف این تحقیق بررسی چگونگی مشارکت زنان شهر تهران در امور اجتماعی از طریق وقف در دوره‌های قاجاریه و پهلوی است. روش تحقیق از نوع اسنادی-توصیفی است. جامعه آماری تمام زنان واقف شهر تهران در دوره‌های مورد بررسی است که اطلاعات آنها در دسترس می‌باشد. اطلاعات وقفی زنان واقف شهر تهران از منابع معتبر جمع‌آوری و با استفاده از روش‌های آماری و مدل AHP تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان شهر تهران با داشتن حق مالکیت بر اموال خود و استقلال مالی امکان مشارکت در امور اجتماعی را برحسب گرایش خود داشته‌اند. هرچند در هر دو دوره مورد بررسی، وقف مذهبی جایگاه بالاتری را نسبت به اهداف دیگر داشته، در دوره قاجاریه بخشی از توسعه و عمران شهر تهران با عمل به وقف محقق می‌شده است. نوع مکان‌های وقفی با طبقه اجتماعی واقفان ارتباط نزدیکی دارد. از این رو از آنجا که اکثر زنان واقف شهر تهران در دوره قاجاریه عمدتاً از طبقه اشراف و اعیان بوده‌اند، بیشترین مکان وقفی آنها تجاری با گرایش به دکان است، که در دوره پهلوی با جایگزینی طبقه متوسط به مسکونی با گرایش به خانه تغییر کرده است.

کلید واژگان: زنان واقف، مالکیت، مشارکت اجتماعی، قاجاریه و پهلوی، تهران، AHP.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشیار پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی سازمان سمت (نویسنده مسئول) shahhoseyni@samt.ac.ir
۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم تحقیقات moayerih22@gmail.com

مقدمه و طرح مساله

در ایران، بر اساس دستورات اسلام و سپس قوانین مدنی، زنان استقلال مالی یعنی استقلال در اهلیت، در عهده و ذمه و در تصرف دارند. براین اساس در تصرف مادی و حقوقی اموال خود کاملاً آزاد بوده و با در اختیار داشتن ابزار مالی قادر به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی هستند. یکی از انواع فعالیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های عام‌المنفعه و خیرخواهانه در چارچوب وقف است. در وقف، شخص واقف با به کار گرفتن منابع شخصی به طور داوطلبانه برای رفع مشکلات جامعه مشارکت می‌کند و از این طریق آثار مهمی در جامعه حتی پس از فوت خود باقی می‌گذارد؛ آثاری چون عدالت اجتماعی، اعتماد و بهره‌گیری یکسان از منابع. موضوعی که فراهم آورنده پایداری و بقای نظم و انسجام اجتماعی و به تبع آن تنظیم اجتماعی است. مشارکت یعنی کنشی هدفدار و اختیاری که از روی میل و رغبت و نیاز و در جهت بهبود زندگی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، مشارکت را می‌توان فرایند سهیم شدن در تصمیم‌های اثرگذار بر زندگی شخصی و جامعه تعریف کرد (هارت ۱۳۸۵، ۴۵). زیرا شهروندان با مشارکت‌های اجتماعی آگاهی و درکشان از مسائلی جامعه وسعت می‌یابد و در ضمن در علایق و منافع دیگران سهیم می‌شوند (ساروخانی و پناهی، ۱۳۸۵: ۳۲).

گفتنی است اشکال اولیه سنت حسنه وقف از پیش از تاریخ متأثر از آیین مذهبی در جامعه ایرانی وجود داشته است و ظروف وقعی معابد برای خدایان، احداث پرستشگاه، دادن هدایا، قربانی، نقوش مذهبی روی ظروف و غیره نمونه‌هایی از آن است (هرنستفلد، ۱۳۸۱ و عسگری و همکاران، ۱۳۹۶). این سنت حسنه در بعد از اسلام نیز تداوم یافته است و از این طریق واقفان ضمن قرب الهی در ارتقاء اجتماعی و اقتصادی جامعه خود حتی سال‌ها پس از فوت واقف مشارکت می‌کنند. برای مثال یکی از پیامدهای وقف برای اطعام در مراسم‌های مذهبی (به علاوه نذرها و خیرات) سبب شده تا امروزه با وجود مشکلات اقتصادی سطح سوءتغذیه در ایران پایین باشد. همچنین وقف و انجام امر خیر سبب ارتقای سطح خدمات رسانی به افراد نیازمند شده است. مانند خدمات مکسا شامل مراقبت‌های حمایتی-تسکینی و پیشگیری بیماری سرطان شامل ارائه رایگان خدمات درمانی و تجهیزات به بیماران سرطانی و مراقبت‌های عاطفی و معنوی از خانواده‌های آنها توسط مرکز پیشگیری و کنترل سرطان آلاء یکی از مراکز وابسته به بنیاد خیریه راهبری آلاء (سایت مرکز پیشگیری و کنترل سرطان آلاء).

امروزه با رشد جمعیت از یک سو و عدم کفایت منابع حاکمیتی در رفع مشکلات جامعه از سوی دیگر، مشارکت مردم توانمند در چارچوب سازمان‌های مردم‌نهاد، مؤسسات خیریه و وقف بسیار ضروری به نظر می‌رسد. اما مشکلاتی در رفع مشکلات جامعه از طریق فعالیت‌های عام‌المنفعه شامل خیریه و وقف وجود دارد. مانند عدم وجود اطلاع از نیازها، نداشتن الگوی بهینه برای فعالیت‌های عام‌المنفعه، عدم شفافیت منابع درآمدی و هزینه کرد آنها، رقابت بین مراکز خیریه، وجود نداشتن قانون و اداره و نظارت بر مراکز خیریه، هزینه کرد منابع مالی بدون در نظر گرفتن چرخش اقتصادی آن، عدم آموزش و بازتولید خیران، عدم دیپلماسی با سایر مراکز خیریه در جهان و عدم مصونیت خیران در صورت ارتباط با خیران سایر مناطق جهان.

به نظر می‌رسد از میان مشکلات گفته شده، عدم شفافیت منابع درآمدی و هزینه کرد آنها به دلیل اثرگذاری بسیار بر موارد دیگر مهمتر باشد. چنانچه رفع مشکلات جامعه از طریق فعالیت‌های عام‌المنفعه بخواهد ثمربخش باشد، باید منابع مالی آنها پاک باشد. منابع مالی پاک از اقتصاد مولد به دست می‌آید. با تدوین الگوی تولید و قوانین مشارکت بخش خصوصی در تولید می‌توان زمینه مشارکت افراد کارآفرین در اقتصاد مولد فراهم و به تبع آن منابع مالی پاک را دست یافت. موضوعی که در حال حاضر در اقتصاد ایران مفقود مانده و از این رو ضمن اینکه کاهش گرایش کارآفرینان به سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی، پول در دست مردم به اشکال سپرده در بانک‌ها یا ارز و سکه درآمده و به تولید ثروت کاذب انجامیده است.

به هر رو، هرچند مشارکت‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه به اشکال خیریه یا وقف، در رتق و فتق امور به ویژه در امور حمایتی و فقر زدایی امر تازه‌ای نیست و همواره در طول تاریخ بخشی از فعالیت‌های انسان را به خود اختصاص داده، در این مقاله از آن جهت اهمیت دارد که به موضوع زنان واقف مسلمان ایرانی می‌پردازد. کثرت وقف‌نامه‌های به جا مانده از زنان واقف به خوبی نشان‌دهنده استقلال اقتصادی و میزان مشارکت آنان در امر وقف و توجه به مسائل

جامعه خود است. اما در میان بیش از ۵۰۰ مقاله و کتاب و پایان نامه که در زمینه وقف در اسلام تدوین شده، کمتر از ۱۵ عنوان به بررسی موقوفات زنان اختصاص دارد، از این رو به نظر می رسد، این مسأله از دغدغه ذهنی پژوهشگران و نویسندگان حتی زنان رو شنفکر جامعه ما غالباً به دور مانده است (فرهادی، ۱۳۸۸: ۵۰۴). بنابراین، هدف این مقاله بررسی وقف و موقوفات به عنوان مظهری از مالکیت و مشارکت زنان شهر تهران در دوره های قاجاریه و پهلوی است. سؤالات عبارتند از: ۱) زنان واقف شهر تهران در دوره های مورد بررسی دارای چه جایگاه اجتماعی و اقتصادی بوده اند؟ ۲) زنان واقف شهر تهران در دوره های مورد بررسی بیشتر چه نوع مستغلاتی را تحت مالکیت خود داشته اند؟ ۳) زنان واقف شهر تهران چگونه اموال خود را وقف می کرده اند؟ ۴) چه نیازی در جامعه تهرانی زنان را در دوره های مورد بررسی به عمل به وقف ترغیب می کرده است؟

مبانی نظری

مالکیت دارای عناصری است چون: ۱. حق استعمال (حق تصرف مالک به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر شیء)، ۲. حق استغلال یا استثمار (حق استعمال عین توسط دیگری در ازای پرداخت اجرت و بهره مندی از منافع و ثمره های عین به صورت مستقیم یعنی توسط مالک یا غیرمستقیم یعنی شخص دیگری در ازای اجرت)، ۳. حق تصرف (تصرفات حقوقی مالک در عین). در اسلام مالکیت خصوصی بر اموال همه مردم اعم از مرد و زن به رسمیت شناخته شده است. برای مثال در آیه سوره آمده: *ولا تؤتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیما وارزقوهن فیها واکسوهن...؛ اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید* ۱۵. یا در آیه سوره: *اعلموا انما اموالکم و اولدکم فتنه...؛ و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است و (برای کسانی که از عهد امتحان برآیند)، پاداش عظیمی نزد خداست* ۱۷. بنابراین در اسلام اموال مردم محترم شمرده شده و آنها آزادی تصرف مادی و حقوقی در اموال خود را دارند. همچنین در ماده ۳۰ قانون مدنی ایران سه حق مالکیت فوق الذکر به رسمیت شناخته شده است. در این ماده آمده: هر کسی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده است. ملکیت یعنی سلطه مالک بر شیء و عناصر آن عبارتند از: ۱. جامع بودن (ملکیت حق جامع است و مالک نسبت به مملوک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارد و شامل حق های استعمال، استغلال و تصرف می شود)، ۲. انحصاری بودن (ملکیت نه تنها در بردارنده اختیارات جامع مالک در ملک خود است، بلکه مالک می تواند مانع تصرف و انتفاع دیگران از ملک خود بشود. به جز مواردی که شخص اختیاراتی به دیگران بدهد یا قانون برای اشخاص دیگر در ملک شخص حقی قائل شود. در ماده ۳۱ قانون مدنی در این باره آمده: هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی توان بیرون کرد مگر به حکم قانون، ۳. دائمی بودن (تا هنگامی که شیء باقی باشد، ملکیت باقی می ماند) (حکمت نیا، ۱۳۹۰: ۳۴۸-۳۵۱).

حدود و ثغور مالکیت زن در قوانین اسلام و ایران با مصوبات بین المللی مغایرتی ندارد. در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یا پیمان زنان مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۷۹ در بند ۲ ماده ۱۵ به اهلیت و مالکیت زنان به رسمیت شناخته شده و دولت ها را مکلف به اعطای اختیارات و اهلیت قانون یکسانی با مردان و فراهم آوری امکانات بهره برداری یکسان زن و مرد از این اهلیت مکلف شده اند. اصل بیستم قانون اساسی ایران نیز همه افراد ملت (اعم از زن و مرد) را متمتع از تمامی حقوق می داند. قانون مدنی نیز مواد ۹۵۶ لغایت ۹۷۵ را به مبحث اهلیت اختصاص داده است. قانونگذار اهلیت را به اهلیت تمتع و اهلیت استیفا تقسیم کرده. در اهلیت تمتع تنها شرط قانون برای بهره بری زنده بودن است و در این مورد تفاوتی هم میان زن و مرد ملحوظ نیست. اما در خصوص اهلیت استیفا سه شرط بلوغ، عقل و رشد حایز اهمیت است (مواد ۲۱۳، ۲۱۱، ۱۲۱۷-۱۲۰۷ ق.م). از آنجا که سن بلوغ در قانون ما میان دختر و پسر متفاوت است، در بهره گیری از اهلیت استیفا نیز تفاوت میان زن و مرد وجود دارد. در حقیقت می توان گفت کنوانسیون و قانون مدنی در اصل قابل بودن به حق اهلیت و اهلیت تمتع برای زن و مرد مشترکند. ولی آنجا که بحث اجرای این حق پیش آید یعنی در اهلیت استیفا اختلاف نظر دارند. البته به دلیل اینکه سن اهلیت استیفا برای دختر در قانون ایران زودتر از پسر است، تبعیض در حق زن محسوب نمی شود. کنوانسیون طی سه ماده به موضوع مالکیت زنان پرداخته و رئوس آن عبارتند از: ۱. تعهد دولت ها در انجام اقدامات مقتضی در رفع تبعیض در تمامی زمینه های حیات

اقتصادی (بند ب ماده ۱۳)، دسترسی به وام‌ها و اعتبارات کشاورزی و تعهد دولت‌ها در ایجاد شرایط مناسب دسترسی زنان روستایی به این اعتبارات (قسمت ز بند ۲ ماده ۱۴) و حقوق یکسان زوجین نسبت به مالکیت و حق اکتساب (قسمت ح بند ۱ ماده ۱۶). قانون مدنی نیز با الهام از اصل ۴۷ و ۴۸ قانون اساسی در ماده ۱۱۱۸، بر استقلال زن، تصرف دارایی‌اش صحه می‌گذارد. در این ماده قانون مدنی "زن می‌تواند مستقلاً در دارایی خود هر تصرفی که می‌خواهد بکند". بنابراین آنچه از ظواهر مواد کنوانسیون و مقایسه آن با قانون مدنی برمی‌آید، این است که هر دو به اصل حق مالکیت معتقدند و هر دو این حق را برای زن و مرد یکسان لحاظ کرده‌اند. اما در طرق کسب مال اشتغال و توارث با هم تفاوت دارند. در کنوانسیون طرق اکتساب مال برای زن و مرد یکسان دانسته شده است. اما در قانون مدنی تفاوت‌هایی در این طریق میان زن و مرد وجود دارد. (ارفع نیا و دشتی زاده، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۶). به هر حال، صرف‌نظر از چگونگی به دست آوردن مال، طبق قوانین اسلام و قانون مدنی زنان استقلال مالی یعنی استقلال در اهلیت، در تصرف، و حمایت عهده و ذمه دارند و از این رو می‌توانند به دلخواه مال خود را مصرف کنند. یکی از راه‌های مصرف مال، مصارف عالم المنفعه است، راهی برای مشارکت در امور اجتماعی در چهارچوب سرمایه داری اجتماعی.

بانک جهانی در سیستم حسابداری ثروت کشورها، چهار شاخص تعیین نموده که عبارتند از: سرمایه طبیعی، دارایی‌های تولید شده، منابع انسانی و سرمایه اجتماعی (World Bank, 2001). سرمایه اجتماعی روشی است جهت ارتباطات اجتماعی که برای بهبود و اجرای مناسب مدیریت منابع به کار می‌رود، در این تئوری الگوی چگونگی ارتباط بین مشارکت‌کنندگان و نحوه تعامل آنها در قالب اهداف مشخص مد نظر است (Lakon et al, 2008: 381). محققان شاخص‌های متفاوتی را برای سرمایه اجتماعی مطرح کرده‌اند. بخشی از آنها عبارتند از: همبستگی اجتماعی، احساس تعلق و توانمندسازی. از این رو سرمایه اجتماعی می‌تواند در محلات به دلیل مشترکات، علایق و روابط چهره به چهره ساکنان، نمود بیشتری داشته باشد و با داشتن ارزش‌هایی چون اعتماد، همبستگی و یکپارچگی، ضمن ارتقای حس هویت و تعلق اجتماعی شهروندان به محله، اقدامی غیرمتمرکز و از پایین به بالا محسوب شود (نعمتی، ۱۳۸۹: ۵۴) و با وجود سرمایه اجتماعی مناسب، می‌توان به جلب مشارکت و همیاری‌های مردمی، هزینه‌های خدماتی و تبادلات و تعاملات شهری و سازمان‌های شهری را کاهش داد. مانند بازسازی و ساماندهی بافت‌های فرسوده، حفظ و مراقبت از امکانات و تجهیزات شهری، توسعه فضای سبز، پاکیزگی و زیباسازی محلات و به طور کلی هزینه‌های کنترل و نظارت از طریق سلسله مراتب و مقررات بوروکراتیک. بنابراین سرمایه اجتماعی در محلات، مناطق و بخش‌های شهر و روستا، می‌تواند زمینه رفاه همگانی را فراهم نماید (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲).

مشارکت در جوامع مدرن که دارای اقتصاد پیشرفته، انواع فناوری‌های جدید، سازمان‌های اجتماعی تمایز یافته، ثبات و توسعه سیاسی، بالا بودن سطح تحصیلات، بهداشت و درمان هستند، بیشتر وجود دارد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۵۰؛ پناهی، ۱۳۸۳: ۷۶). از دیدگاه روانشناسان اجتماعی مشارکت افراد در جامعه برآیند ارتباط متقابل عوامل اجتماعی و روانشناختی می‌باشد. سیلز معتقد است از آنجا که افراد در بطن نیروهای اجتماعی (منزلت، تعلیم، تربیت، مذهب و غیره) محاط شده‌اند، سه دسته متغیر نیروهای اجتماعی، تفاوت‌های شخصیتی و محیط‌های اجتماعی به شدت با هم مرتبط و به یکدیگر آمیخته‌اند و هر تغییری در هر یک از آنها مشارکت را کاهش یا افزایش می‌دهد، از این رو اگر تحلیلی صرفاً مبتنی بر یکی از آنها باشد گمراه‌کننده و ناقص است (محسنی تیریزی ۱۳۶۹، ۱۲). کولین، جامعه‌شناس توسعه‌گرا، توسعه را برآمده از ساختار اجتماع می‌داند. وی بر آمادگی ذهنی بر انگیزه‌های شخصی برای تحقق مشارکت و توسعه تأکید می‌ورزد (وطنی، ۱۳۸۶: ۳۲).

پدیده مشارکت از لحاظ منشاء پیدایش به مشارکت خود انگیزه، مشارکت خود انگیزه نظم یافته، مشارکت برانگیزه شده و مشارکت تحمیلی؛ از لحاظ انگیزه و محرک به درونی و بیرونی و از لحاظ موضوعی به سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی تقسیم بندی می‌شود (شکوری، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۵). مشارکت در فراگرد توانمندسازی افراد جامعه، بر سه ارزش بنیادی سهم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم تأکید دارد. در میان انواع مشارکت، مشارکت مدنی از جایگاه رفیعی برخوردار است که بر پایه تعامل میان افراد شکل می‌گیرد و بر بعد حق مداری در مقایسه با وظیفه مداری متمرکز است. اصول شهروندی، اعتماد اجتماعی، پاسخگویی و نظارت، آزادی و عدالت، حقوق و تکالیف و غیره پایه‌های مشارکت مدنی را پی‌ریزی می‌کنند (بختیاری و نوروزی، ۱۳۷۰: ۱۳).

درباره چگونگی مشارکت نظریه های متعددی چون کنش حمایتی و دگر خواهانه، نظریه اعتماد اجتماعی، فطرت، کتسابی، مبادله کنش موج و همزیستی مسالمت آمیز (فارابی) وجود دارد.

در این نظریات عواملی چون آگاهی و اطمینان از مشکلات مردم و شرایط فقر و نیازمندی جامعه، اعتقاد به مؤثر بودن کمک ها در رفع مشکلات دیگران، احساسات و عواطف، کمک های مالی افراد نیکوکار به سازمان های حمایتی برای رفع مشکلات اقشار کم درآمد بیشترین تأثیر را در بروز رفتارهای حمایتی دارند (شکوری، ۱۳۸۴: ۵). از این رو هر چه میزان این نوع مناسبات در جامعه بیشتر باشد، تعهدات اجتماعی و عمومی اعضای جامعه افزایش یافته و خود سبب بالا رفتن خیر و صلاح عمومی می شود و در عین حال مانع اختلالات اجتماعی، تضاد های ارزشی و توزیعی شده و نابرابری های اجتماعی، محرومیت اجتماعی، انفعال اجتماعی و مانند اینها را کاهش می دهد (شکوری، ۱۳۹۰: ۱). از این رو شرایط عینی برای افزایش مودت اجتماعی و کاهش محرومیت اجتماعی فراهم می شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۴). از همین رو است که پژوهش های متعددی نشان داده اند، میان شاخص های سرمایه اجتماعی و ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی در محلات رابطه مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه قدر شاخص های سرمایه اجتماعی مانند مشارکت، اعتماد و انسجام در بین ساکنان محلات بالاتر باشد، اقدامات نوسازی و بهبود کمی و کیفی زندگی در آن محلات با اقبال بیشتری مواجه است (نظم فر و عطار، ۱۳۹۳؛ ارثی و دیگران، ۱۳۹۱؛ مروتی، ۱۳۹۱؛ پور محمدی و دیگران، ۱۳۹۰).

وقف را می توان در چهارچوب نظریه های کنش حمایتی و دگر خواهانه و مبادله تبیین کرد. کنش حمایتی و دگر خواهانه نوعی کنش اجتماعی است که در آن فرد بیش از تعهداتش عمل کند، به نحوی که منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح دهد. یا حداقل، نسبت به منافع دیگران به اندازه منافع خود احساس تعهد و مسئولیت کند در صورتی که چنین امری تحقق یابد خود زمینه ای را فراهم می سازد که در آن انسانیت اهمیت پیدا می کند و انسان ها مورد عزت و احترام قرار می گیرند. همچنین نزدیکی انسان ها به عنوان موجوداتی مشارکت جو، نوع دوست و دگر خواه مورد توجه قرار می گیرد. نمودهای عینی کنش دگر خواهانه چه با رویکرد انگیزه ای و چه با رویکرد رفتاری معمولاً در رفتارهای نوع دوستانه، کمک به نیازمندان و حمایت از مستمندان منعکس می شود (شکوری، ۱۳۹۰: ۳۱). در نظریه "مبادله" طرفین نسبت به یکدیگر احساس مثبتی دارند. ایثار، یاری دگر خواهانه، بخشش یا به تعبیر مالینوفسکی هدیه ناب از مظاهر برجسته این نوع مبادله محسوب می شوند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲۸). اساس این مبادله، دوستی با هموعان است. در این نوع مبادله فردی برای کمک و ارائه خدمتی به فرد دیگر باید فداکاری کند و از منافع شخصی خود بگذرد. در حالی که انتظار جبران یا برگشت را از طرف مقابل ندارد، برگشت فقط از نوع نفع جانشینی و یا رضایت جانشینی است (توسلی، ۱۳۹۱: ۴۲۶). در این رابطه، موضوعی که در چهارچوب وقف و انجام امور خیریه خوبی مشاهده می شود.

دهخدا "وقف کردن را ایستادن، توقف، حبس کردن، منحصر کردن چیزی برای استفاده عنوان می کند (دهخدا، ۱۳۷۲: ۴-۵)". در اصطلاح فقها، وقف تحبیس اصل و اطلاق منفعت یا تحبیس اصل و تسبیل ثمره معنی شده و در ماده ۵۵ قانون مدنی آمده: "وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۱۶)". هر چند در قرآن نامی از وقف برده نشده اما در سوره های بقره، آل عمران و انفاق درباره بخشش اموال و عمل انفاق سفارش شده و "صدقه جاریه" وقف تعبیر شده است، یعنی صدقه ای که اصل آن بر جای مانده و عواید آن به طور مستمر قابل بهره برداری باشد. همچنین روایات بسیاری از ائمه معصومین (ع) در خصوص به جای آوردن سنت وقف وجود دارد که نشان دهنده اهتمام آنها به این سنت حسنه است. چرا که وقف به عنوان یکی از ابزارهای دستیابی به توسعه اقتصادی می تواند در مسیر توسعه و ارائه خدمات به کار رود. واقفان با عاقبت اندیشی و حس نوع دوستی خود، ترغیب به حمایت از افراد نیازمند می شوند.

در بخشی از منابعی که به موضوع زنان واقف و خیر پرداخته اند و در جدول ۱ آورده شده، موضوعاتی چون حس نوع دوستی، عاقبت اندیشی، شرح و توصیف موقوفات، اهداف و انگیزه های واقفان زن و سرانجام اهتمام زنان سیاستمدار و هنرمندان در امور خیریه و مشارکت اجتماعی آنها بررسی شده است. براساس این اقدامات بسیاری از حوزه های خیریه به سمت حمایت هایی نظیر حمایت از افراد نیازمند هدایت شده است. اقدامی که به ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی افراد نیازمند تحت پوشش انجامیده است. گفتنی است در منابعی که به عمل خیر به طور عام پرداخته شده و در ضمن آن

به وقف نیز اشاره شده است، مانند کتاب مؤسسات خیریه رفاهی-بهداشتی ایران در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷) تألیف الهام ملک زاده که در اینجا به دلیل نپرداختن صرف به موضوع وقف زنان ذکر نشده اند. تفاوت تحقیق حاضر با مطالعات انجام شده، در تحلیل وقف و موقوفات زنان تهرانی در دو دوره قاجاریه و پهلوی است.

جدول ۱: منابع زن و وقف

نام مقاله	سال	نویسنده
موقوفات زنان در ایران	۱۳۷۴	خسروی
وقفنامه های بانوان در دوره صفوی	۱۳۷۶	احمدی
دو وقف نامه از دو زن،	۱۳۷۶	احمدی
نقش وقف زنان در توسعه اجتماعی - فرهنگی	۱۳۷۸	شاطری و جعفرزاده
زنان واقف در تهران عهد قاجار	۱۳۷۸	ورنر
دو موقوفه از زنان خاندان علم	۱۳۸۰	طلایی
بانوان بوشهری و سنت نبوی وقف	۱۳۸۲	اسدپور
نجات فرزند انگیزه ای برای وقف (تحلیلی بر وقف نامه مادر شاه سلیمان)	۱۳۸۸	احمدی
وقف نامه مدرسه مریم بیگم	۱۳۹۰	خوشنودی
هویت زنان واقف در ایران نمونه موردی: زنان آمل	۱۳۹۲	یدالله پور
زنان واقف در تهران عهد قاجار	۱۳۸۷	ورنر
نقش زنان در نظام وقف عثمانی	۱۳۹۱	یوکسل
کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول،	۱۳۹۵	ملک زاده و افرافر
زنان، امور خیریه و مشارکت در ونیز مدرن	۱۹۹۸	چوناکا
مسیر امور خیریه مسیحیت	۲۰۰۶	نیلسون
زنان خیر و مؤسسات خیریه در امپراطوری عثمانی	۲۰۰۶	دوزباکر
اشتغال زنان در امور خیریه به مثابه کارگزاران توسعه	۲۰۱۶	بورگروینگ
درآمدی بر موقوفات زنان	۱۳۸۵	مهدی زاده

محدوده مورد مطالعه

هر چند آثار به دست آمده مانند زن مومیایی در خیابان مولوی و اشیاء موجود در موزه تهران گویای قدمت تهران به بیش از ۷۰۰۰ سال پیش است، موجودیت قریه تهران از زمان حصارکشی آن توسط شاه طهماسب صفوی آغاز می شود و در زمان قاجار با پایتختی برجسته شده است. در این دوره شهر تهران شامل محلات ارگ، بازار، چال میدان، عودلاجان، سنگلج و سپس محله دولت بود که محدوده مورد مطالعه در این تحقیق را در دوره قاجاریه تشکیل می دهد. در دوره پهلوی بر وسعت تهران با تخریب برج و باروی اطراف دارالخلافه ناصری و اضافه شدن مناطق و محلات جدید افزوده شد که از شمال امیر آباد، جلالیه، عباس آباد و جمشیدیه، از شرق فرخ آباد، دوشان تپه و دولاب، از جنوب شهر فیروز آباد، کشتارگاه و کوره‌ها و گودال‌های جنوب، از غرب طرشت، چی، بریانک و امام زاده حسن بودند (نظریان ۱۳۷۰: ۱۰۷) که مجموعاً محدوده مورد مطالعه در دوره پهلوی را شامل می شود.

روش تحقیق

از آنجا که تحقیق حاضر به موضوع وقف و موقوفات زنان در دوره های گذشته می پردازد، جنبه تاریخی دارد. در تبیین تاریخی باید از مرزهای تاریخ نگاری فراتر رفت و وقایع را تابع عواملی چند دانست. به این معنی که محقق با در نظر گرفتن یک دوره حوادث آن را به صورت معلول در نظر می گیرد و سپس در همان دوران عوامل را بازمی یابد. زیرا هر دوره خاص و منحصر به فرد هستند و قابل تعمیم به دوره های دیگر نیستند (ساعی، ۱۳۸۷: ۱۶۹). با توجه به جنبه تاریخی موضوع، روش این تحقیق اسنادی-توصیفی و از نظر ماهیت توصیفی-استنباطی است. اطلاعات مورد نیاز به شیوه کتابخانه ای جمع آوری و جامعه آماری شامل تمامی زنان واقف شهر تهران در دوره های قاجاریه و

پهلوی است که اطلاعات آنها در دسترس می باشد. داده ها از منابع معتبری چون رضایی، ۱۳۸۶ و احمدی، ۱۳۸۷ جمع آوری شده است. برای یکدستی تاریخ ها، همه تاریخ های قمری به شمسی تبدیل شده اند و محدوده زمانی تحقیق دوره قاجاریه از ۱۱۷۶ تا ۱۳۰۴ و دوره پهلوی از ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۸ است.

شاخص های تحقیق عبارتند از: جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان واقف، انگیزه وقف و مکان های وقفی. در این تحقیق برای تحلیل ویژگی های زنان واقف شهر تهران در دو دوره مورد بررسی از آمار توصیفی و روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)^۱ بهره برداری شده است.

روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی. در ارزیابی هر موضوعی ما نیاز به معیار اندازه گیری یا شاخص داریم انتخاب شاخص های مناسب به ما امکان می دهد که مقایسه درستی بین جایگزین ها به عمل آوریم. اما وقتی چند یا چندین شاخص برای ارزیابی در نظر گرفته شود کار پیچیده می شود و پیچیدگی کار زمانی بالا می گیرد که معیارهای چندگانه باهم در تضاد و از جنس های مختلف باشند. در این هنگام کار ارزیابی و مقایسه از حالت ساده تحلیلی که ذهن قادر به انجام آن است خارج می شود و به یک ابزار تحلیل عملی قوی نیاز خواهد بود. یکی از ابزارهای توانمند برای چنین وضعیت هایی روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی است (زیاری، ۱۳۹۴: ۹۴). در این روش منعطف، قوی و ساده، عناصر تصمیم گیری متضاد شناسایی و اولویت بندی می شوند.

یافته های تحقیق

بر اساس اطلاعات به دست آمده، تعداد زنان واقف شهر تهران در دوره قاجاریه ۱۰۲ نفر و در دوره پهلوی ۶۰ نفر بوده اند. محاسبه این تعداد با طول حکومت های مورد بررسی نشان می دهد که در دوره ۱۵۰ ساله قاجار در هر سال ۱/۵ نفر و در دوره ۵۷ ساله پهلوی در هر سال حدود ۱/۱ نفر زن به امر وقف اقدام کرده اند. هر چند در ظاهر این کاهش اندک به نظر می رسد، اما با وجود افزایش سرمایه اجتماعی در دوره پهلوی جای تأمل دارد. زیرا در این دوره با ایجاد ثبات سیاسی، توسعه اقتصادی، افزایش تحصیلات و افزایش بهداشت و درمان، سرمایه اجتماعی ارتقاء یافت و بایستی سهم زنان واقف نیز افزوده می شد. شاید علت کاهش وقف از سوی زنان را بتوان در این موارد دانست: نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی ناشی از حمله قوای متفقین به ایران طی جنگ جهانی دوم، برکناری پهلوی اول، کاهش ارزش پول، بیکاری، عدم تعادل بین دستمزدها و هزینه های زندگی، کاهش تولید کارخانه ها، بروز خشکسالی قحطی و اشاعه امراض واگیردار، ملی شدن صنعت، نفت، کودتای ۱۳۳۲، تأسیس انجمن های خیریه، گنجاندن سرفصل های امور اجتماعی در برنامه های عمرانی شامل قانونگذاری و ایجاد مراکز مربوطه توسط دولت (ملک زاده، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۴۰)^۲ و کاهش قدرت اقتصادی زنانی که به امر وقف گرایش داشته اند.

به هر رو، چنانچه مشارکت اجتماعی زنان در امر خیر را محدود به وقف نکنیم، مشخص می شود که سهم آنان با فعالیت در مراسم های مهمانی یا مؤسسات و انجمن های خیریه افزایش یابد. به ویژه آنکه در دوره پهلوی، با توسعه دیوانسالاری و کارنجات و رشد طبقه متوسط، امکان مشارکت اجتماعی زنان در سطح وسیعی تری فراهم شده بود.

نمود افزایش مشارکت طبقه متوسط دروقف را می توان به خوبی در نوع موقوفات زنان واقف شهر تهران مشاهده کرد. براساس مدل AHP بیشترین مکان های وقفی این دوره، از نوع مسکونی و با فاصله بسیار زیادی تجاری و زمین قرار دارند (جدول ۲ تا ۱۰).

در هر دو دوره، در زیر معیار تجاری، بیشترین نسبت متعلق به دکان است. در دوره قاجاریه، با برجسته شدن نقش تجاری تهران بر اهمیت عناصر تجاری به ویژه دکان افزوده شد. دکان مهمترین مکان درآمدزا برای سرمایه گذاری محسوب می شد. به طوری که بسیاری از شهروندان تهرانی که از تجار نبودند، روی دکان سرمایه گذاری می

1 Analysis hierarchical process

۲ دولت پهلوی نهاد متولی رفاه و بهداشت (قانون گذاری در حوزه امور عام المنفع شامل آیین نامه صندوق احتیاط، بنگاه رفاه اجتماعی، سازمان بیمه های اجتماعی کارگران، قانون بیمه های اجتماعی کارگران، قانون ایجاد انجمن های توان بخشی، تشکیل شورای مرکزی سازمان خیریه کمک های بهداشتی و درمانی کشور، تأسیس شورای عالی سازمان بیمه های اجتماعی روستاییان، تشکیل صندوق تأمین آموزش فرزندان کارگران، قانون تشکیل وزارت رفاه اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی (ملک زاده، ۱۳۹۷، ۱۳۵-۱۴۰).

کردند(اتحادیه، ۱۳۶۹: ۶)." از این رو دکان بیشتر از سایر عناصر تجاری وقف شده است. با توجه به اینکه وقف اماکن تجاری از جمله دکان بیش از سایر اماکن از سوی زنان تهرانی که خود مستقیماً در کار تجارت و داد و ستد وارد نبودند، انجام شده، نشان می‌دهد که این اماکن از طریق ارث یا مهریه یا بخشش‌های شاهانه به ایشان رسیده است. به عبارت دیگر همان طور که ورنر می‌گوید، عمدتاً از طبقه برخوردار شامل اشراف، تجار و روحانیان طراز اول بوده اند(ورنر، ۱۳۸۷: ۲۹). مانند سلطان بیگم خانم به عنوان زن واقف دوره صفوی خواهر شاه طهماسب بود. همچنین قمرالسلطنه دختر فتحعلی شاه، مهد علیا مادر ناصرالدین شاه، منیر السلطنه(انیس الدوله) و امینه اقدس همسر ان ناصرالدین شاه، ملک تاج خانم فیروز نجم السلطنه نوه عباس میرزا و دختر نصرت الدوله و همسر میرزا هدایت الله وزیر دفتر و مادر دکتر مصدق، منیرالسلطنه دختر محمدتقی خان معمار باشی آذربایجانی و همسر ناصرالدین شاه، نبات خانم همسر محمد شفیع صدراعظم، شرف النساء دختر اللهیار خان آصف الدوله، مروارید خانم دختر میرزا موسی وزیر، صدیقه فیروزآبادی دختر آیت الله سید رضا فیروز آبادی، هاجر خاتون خانم(حاجیه وزیر) همسر حاج محسن بازرگان تهرانی، دختر وی حاجیه سارا سلطان همسر محمد ابراهیم نواب بدایع نگار.

در دوره پهلوی نیز دکان به دلیل تو سعه خیابان ها و ایجاد مغازه های ویتروینی و نیز افزایش نقش خرده فرو شی تهران بیشتر از سایر مکان های وقفی تجاری بوده است. اما وقف بازارچه و دکه متوقف شده و وقف کاروانسرا و تیمچه و طویله با تغییر در نظام حمل و نقل و تو سعه شبکه ارتباطی به حداقل رسیده و عمدتاً متعلق به اوایل حکومت پهلوی اول است. همچنین استفاده از آب لوله کشی سبب کاهش چشمگیر وقف منابع آبی در این دوره شده است.

بر اساس نقشه های موجود از تهران قدیم، چون در اوایل دوره قاجاریه بخش مهمی از مساحت شهر را باغات و زمین های بایر تشکیل می دادند(معمدی، ۱۳۸۱: ۴۵)، باغات متعددی توسط زنان وقف شده اند. اما با رشد جمعیت و توسعه شهر، از تعداد باغات کاسته شد و به تبع آن در دوره پهلوی وقف آن نیز کاهش یافت(۰/۱۰۳) اما بر تعداد وقف زمین افزوده شد(۰/۱۸۷)(جدول ۶ تا ۱۰ و شکل ۲). با اینکه با ایجاد محلات جدید، افزایش کارکردهای اقتصادی، تمرکز سیاسی، رشد جمعیت و در نهایت تبدیل آن به کلانشهر، قیمت زمین که از اواخر دوره ناصرالدین شاه رشد خود را آغاز کرده بود، شدت بیشتری یافت. گفتنی است که بعضی از قطعات زمین های وقفی، دارای بناهای ویرانی بوده اند که ارزش اقتصادی نداشته یا واقف فقط عرصه را وقف کرده و اعیانی آن را وقف نکرده است.

در دوره قاجاریه، به جز مکان های متداول که وقف می شدند مانند مسجد و مدرسه علمیه، عناصر تجاری، عناصر مسکونی، منابع آب و غیره، دو عامل سبب آمادگی ذهنی زنان برای خلق مکان های وقفی جدید شد؛ یکی، آشنایی با مراکز تمدنی که سبب هدایت آنها به سمت وقف مراکز درمانی ای چون بیمارستان شد. مانند وقف بیمارستان نجمیه توسط نجم السلطنه. یا مشارکت در احداث بیمارستانی توسط یکی از زنان امین الدوله. درحالی که قبلاً فقط به وقف مراکز بهداشتی یعنی حمام اهتمام ورزیده می شد. دیگری، انقلاب مشروطه که سبب ساز تصویب لایحه نگهداری کودکان بی سرپرست در مجلس اول شورای ملی به سال ۱۲۲۴ ق شد. پیرو این لایحه، همسر صحاف باشی سه دانگ ملک خود را برای نگهداری کودکان بی سرپرست اختصاص داد(حاجی بابایی و دیگران، ۱۳۶۹: ۲۹).

تعیین وزن شاخص ها و زیرمجموعه های آنها

دوره قاجاریه

جدول ۲: مکان های وقفی درآمدزای زنان واقف شهر تهران در دوره قاجاریه

ردیف	مکان	تعداد	تجاری							مسکونی			
			دکان	دکه	کاروان	تیمچه	بازارچه	تیمچه	آب				
۱۵	قاجا	۶	۴۳	۲	۱۳	۳	۴	۳	۱	۸	۲	۲	۲
۴	ریه	۲	۱۹	۳۴	۲	۱۴	۲	۱۹	۳۴	۲	۱۴	۲	۱۹

منبع: از اطلاعات رضایی ۱۳۸۶ استخراج شده است.

جدول ۳: ماتریس زیر معیار تجاری

	دکان	دکه	کاروانسرا	تیمچه	بازارچه	طویله
طویله	۰,۰۷	۱,۵	۰,۲۳	۱	۰,۷۵	۱
بازارچه	۰,۰۹	۲	۰,۳۰	۱,۳۳	۱	۱,۳۳
تیمچه	۰,۰۷	۱,۵	۰,۲۳	۱	۰,۷۵	۱
کاروانسرا	۰,۳۰	۶,۵	۱	۴,۳۳	۳,۲۵	۴,۳۳
دکه	۰,۰۴	۱	۰,۱۵	۰,۶۶	۰,۵	۰,۶۶
دکان	۱	۲۱,۵	۳,۳	۱۴,۳۳	۱۰,۷۵	۱۴,۳۳

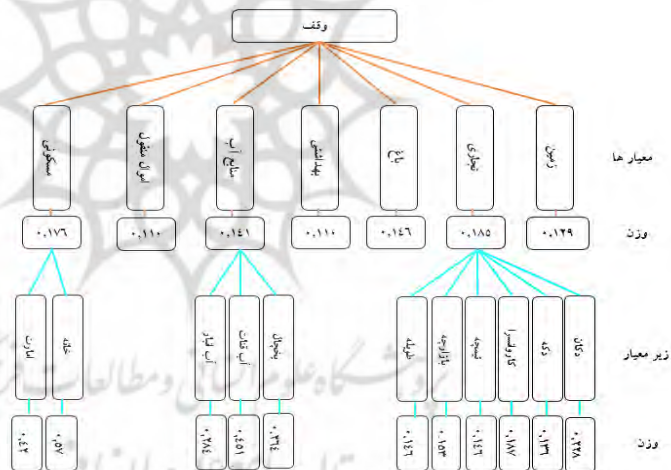
جدول ۴: ماتریس منابع آب

	آب انبار	آب قنات	پنخچال
پنخچال	۱	۰,۲۵	۲
آب قنات	۸	۲	۰,۲۵
آب انبار	۲	۰,۵	۱

جدول ۵: ماتریس مسکونی

	عمارت	خانه
خانه	۱,۷۸	۱
عمارت	۱	۰,۵۵

مرحله چهارم: میانگین هندسی ردیف‌های زیر معیار



شکل ۱: نمودار وزن نهایی شاخص‌ها و متغیرهای وقف زنان واقف شهر تهران در دوره قاجاریه

دوره پهلوی

جدول ۶: مکان‌های وقفی درآمدزای زنان واقف شهر تهران در دوره پهلوی

دوره	جمع	زمین	تجاری						بهدا ششی	مکان	مسکونی								
			دکان	دکه	کاروانسرا	تیمچه	بازارچه	طویله			پنخچال	آب قنات	آب انبار	حمام	ناح	اموال منقول	خانه	عمارت	
پهلوی ی	۹۶	۱۸	۱۳	۰	۱	۲	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۲	۱	۲	۱۰	۲	۳۰	۱۱

منبع: از اطلاعات رضایی، ۱۳۸۶ استخراج شده است.

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده ها

جدول ۷: ماتریس شاخص ها

	زمین	تجاری	منابع آب	بهداشتی	باغ	اموال منقول	مسکونی
زمین	۱	۱	۳,۶	۹	۱,۸	۹	۰,۴۳
تجاری	۱	۱	۳,۶	۹	۱,۸	۹	۰,۴۳
منابع آب	۰,۲۷	۰,۲۷	۱	۲,۵	۰,۵	۲,۵	۰,۱۲
بهداشتی	۰,۱۱	۰,۱۱	۰,۴	۱	۰,۲	۱	۰,۰۵
باغ	۰,۵۵	۰,۵۵	۲	۵	۱	۵	۰,۲۴
اموال منقول	۰,۱۱	۰,۱۱	۰,۴	۱	۰,۲	۱	۰,۰۵
مسکونی	۲,۲۷	۲,۲۷	۸,۲	۲۰,۵	۴,۱	۲۰,۵	۱

مراحل دوم و سوم: میانگین هندسی ردیف‌های ماتریس و تشکیل ماتریس زیر معیارها وزن شاخص‌هایی که تنها یک زیر مجموعه یا متغیر دارند همان وزن به دست آمده از مرحله اول است. اما شاخص‌هایی که بیش از یک زیرمجموعه یا متغیر دارند می‌بایست ماتریس زوجی آن‌ها تشکیل شود:

جدول ۸: ماتریس زیر معیار تجاری

	طویله	بازارچه	تیمچه	کاروانسرا	دکه	دکّان
طویله	۱	۰	۰,۳۳	۱	۰	۰,۰۷
بازارچه	۰	۱	۰	۰	۰	۰
تیمچه	۳	۰	۱	۳	۰	۰,۲۳
کاروانسرا	۱	۰	۰,۳۳	۱	۰	۰,۰۷
دکه	۰	۰	۰	۰	۱	۰
دکّان	۱۳	۰	۴,۳۳	۱۳	۰	۱

جدول ۹: ماتریس منابع آب

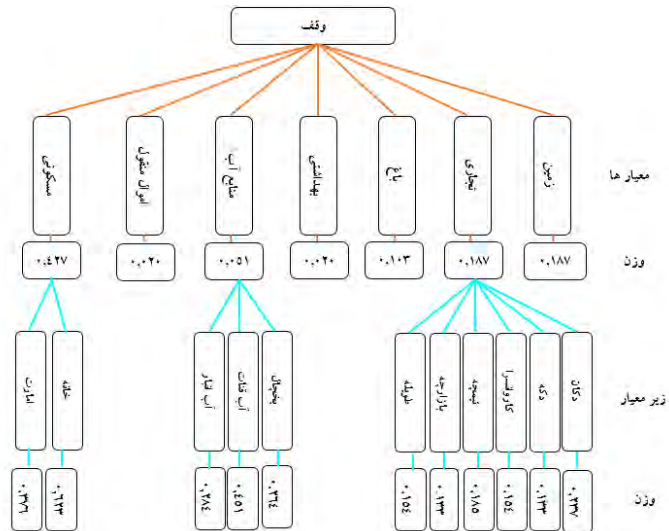
	یخچال	آب قنات	آب انبار
یخچال	۱	۰	۰
آب قنات	۰	۱	۴
آب انبار	۰	۰,۲۵	۱

جدول ۱۰: ماتریس مسکونی

	خانه	عمارت
خانه	۱	۲,۷۲
عمارت	۰,۳۶	۱

مرحله چهارم: میانگین هندسی ردیف‌های زیر معیارها

$$\text{میانگین هندسی زمین} = \frac{2.16}{11.57} = 0.18$$



شکل ۲: نمودار وزن نهایی شاخص‌ها و متغیرهای وقف زنان واقف شهر تهران در دوران پهلوی

صرفنظر از نوع مکان‌های وقفی، در دوره قاجاریه بیشترین مکان‌های وقفی (۵۵/۵ درصد) در محله به دلیل قطب اقتصادی شهر و سکونت تجار در آن و کمترین آن (۲ درصد) در محله ارگ یعنی مقر حکومت مکان‌یابی شده‌اند (جدول ۱۱). اما در دوره پهلوی با کاهش نقش اقتصادی بازار و از بین رفتن نظام محله‌ای و توسعه شهر، تمرکزی از این جهت مشاهده نمی‌شود و مکان‌های وقفی در سطح شهر پراکنده هستند.

جدول ۱۱: توزیع فضایی مکان‌های وقف شده از سوی زنان شهر تهران در دوره قاجاریه بر حسب محله

نام محله	تعداد	درصد
ارگ	۳	۲
بازار	۸۰	۵۵/۵
چالمیدان	۱۱	۷/۶
عودلجان	۲۷	۱۸/۷
سنگلیج	۱۴	۱۰
دولت	۹	۶/۲
جمع	۱۴۴	۱۰۰

این مکان‌های وقفی را عمدتاً زنان با داشتن حق مالکیت، شخصاً وقف کرده‌اند. اما آن دسته از زنان که به طور غیرمستقیم با تعیین وصی یا وکیل اقدام به وقف اموال خود کرده‌اند، وصی و وکیل خود را از بین دختران خویش تعیین نکرده‌اند. همچنین هیچ کدام برای اداره موقوفات خود دختران خویش یا اعیان آنها را منصوب نکرده‌اند. شاید به دلیل عدم حضور مؤثر زنان در جامعه بوده، اما علت اصلی را می‌توان در حاکمیت نظام مردسالاری در فرهنگ جامعه ایرانی دانست. از این رو، در دوره پهلوی با وجود آنکه زنان دارای تحصیلات عالی و مشاغل رسمی شده بودند نیز همین روال ادامه داشت.

این نکته نیز جالب توجه است که، هیچ یک از زنان واقف نبود اولاد ذکور در خانواده خود را در آینده پیش بینی نمی‌کردند تا در آن صورت مدیریت مکان‌های وقفی خود را به دختران خانواده خود منتقل کنند. به هر حال، مدیریت مکان‌های وقفی واقفانی (اعم از مرد و زن) که به عهده پسران و اولاد ذکور آنها سپرده شده بود، با نبود اولاد ذکور تحت اداره سازمان اوقاف و امور خیریه درآمده‌اند. علاوه بر شیوه مدیریت مکان‌های وقفی، در نوع دین و انگیزه زنان واقف شهر تهران مشابعت مشاهده می‌شود. دین اکثریت قریب به اتفاق زنان واقف شهر تهران در هر دوره مورد بررسی، اسلام و دین اندکی از آنها زرتشتی (جدول ۱۲).

جدول ۱۲: درصد چگونگی عمل به وقف و دین زنان واقف شهر تهران در دوره مورد بررسی

دوره	چگونگی عمل به وقف					
	شخصاً	وصیت	وکالت	جمع	مسلمان	زرتشتی
قاجاریه	۸۳/۳	۱۴/۷	۲	۱۰۰	۹۷	۳
پهلوی	۹۱/۷	۱/۷	۶/۶	۱۰۰	۹۶/۷	۳/۳

همچنین براساس مدل AHP انگیزه مذهبی در هر دو دوره مورد بررسی، بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده گرایشات عمیق مذهبی جامعه تهرانی است (جدول ۱۳ تا ۱۶ و شکل های ۳ و ۴) با اینکه برخلاف دوره قاجاریه، دولت‌مردان پهلویکه به دنبال مدرن کردن جامعه بودند و از الگوهای غربی پیروی می کردند، تظاهرات مذهبی کمتری داشتند.

با اینکه انگیزه اصلی وقف زنان شهر تهران در دوره قاجاریه، ترویج مذهب بود، دو نکته شایان توجه است؛ یکی آنکه هیچ زن واقفی برای ذینفعان مکان های وقفی خود، قید قومیت یا زبان ذکر نکرده است. همچنین با اینکه زنان واقف عمدتاً مسلمان و شیعه هستند، اما بسیاری از آنها قید دین یا مذهب را برای بهره برداران از موقوفات خود ذکر نکرده اند. دیگر آنکه، بعضی از مکان های وقفی در دوره قاجاریه توانستند مشکلی از مشکلات توسعه ای تهران را رفع کنند. مانند ساخت مسجد و مدرسه منیریه در قبرستان و تکیه خرابه ای در مجاورت امامزاده سید نصرالدین توسط منیرالسلطنه (معمدی، ۱۳۸۱: ۴۶۲). یا ساخت مسجد و مدرسه شاهزاده خانم و خانه امام جماعت در اراضی بایر در محله سنگلج توسط شاهزاده هما خانم (اعظام قدسی، ۱۳۴۹: ۱۲). احداث این نوع تأسیسات در زمین های غیر قابل استفاده، ضمن تغییر کاربری زمین و عمران و بهره برداری بهینه از آنها، توسعه درونی محلات نیز انجام می شده است (شاه حسینی، ۱۳۹۵: ۸۱-۸۲).

تعیین وزن انگیزه های وقف

دوره قاجاریه

جدول ۱۳: تعداد انگیزه زنان واقف شهر تهران در دوره قاجاریه

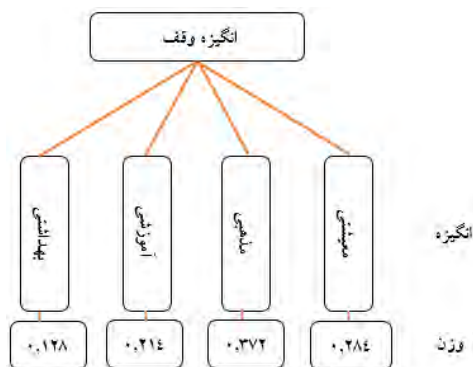
دوره قاجاریه	معیشتی	مذهبی	آموزشی	بهداشتی
	۴۷	۱۳۹	۱۵	۲

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده ها

جدول ۱۴: ماتریس داده های انگیزه وقف

	بهداشتی	آموزشی	مذهبی	معیشتی
بهداشتی	۱	۰,۱۳	۰,۳۳	۲۳,۵
آموزشی	۰,۱۳	۱	۰,۱۰	۷,۵
مذهبی	۰,۳۳	۰,۱۰	۱	۶۹,۵
معیشتی	۲۳,۵	۷,۵	۶۹,۵	۱

مرحله دوم: میانگین هندسی ردیف های ماتریس



شکل ۳: نمودار وزن نهایی انگیزه های وقف زنان واقف شهر تهران در دوره قاجاریه

دوره پهلوی

جدول ۱۵: تعداد انگیزه زنان واقف شهر تهران در دوره پهلوی

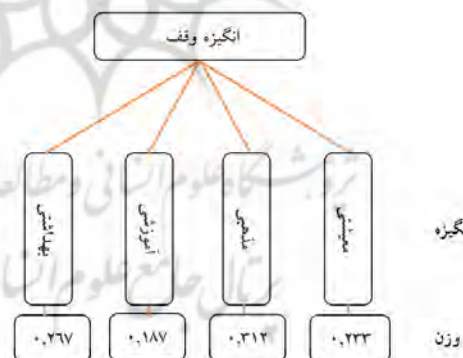
دوره پهلوی	معیشتی	مذهبی	آموزشی	بهداشتی
	۱۷	۵۴	۷	۲۹

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده ها

جدول ۱۶: ماتریس داده های انگیزه وقف

	معیشتی	مذهبی	آموزشی	بهداشتی
معیشتی	۱	۰,۳۱	۲,۴۲	۰,۵۸
مذهبی	۳,۱۷	۱	۷,۷	۱,۸۶
آموزشی	۰,۴۱	۰,۱۲	۱	۰,۲۴
بهداشتی	۱,۷	۰,۵۳	۴,۱۴	۱

مرحله دوم: میانگین هندسی ردیف های ماتریس



شکل ۴: نمودار وزن نهایی انگیزه های وقف زنان واقف شهر تهران در دوره پهلوی

نتیجه گیری

هرچند وقف و موقوفات سابقه طولانی مدتی دارد و نمونه هایی از آن در ایران باستان نیز وجود داشته، اما عمدتاً مکان های وقفی تهران از جمله مکان های وقفی زنان، متعلق به دوره قاجاریه به بعد است. زمانی که تهران به عنوان پایتخت برگزیده شد. زنان ایرانی با داشتن استقلال مالی براساس کنش های دگرخواهانه به طرق گوناگون از جمله وقف به کمک و یاری هموعان خود شتافته اند. آنها یا اماکنی را ساخته و وقف کرده اند یا برای مقاصد مورد نظر خود اماکن درآمدزایی را اختصاص داده اند. در دوره قاجاریه با برجسته شدن نقش تجاری تهران، عناصر تجاری به ویژه دکان وقف می شد. اما با توسعه خیابان ها و مغازه های ویتروینی و افزایش کارکرد خرده فروشی تهران تداوم نیافت و واحد

مسکونی عمدتاً از نوع خانه و کمتر عمارت جای آن را گرفت. در این تغییر نوع مکان‌های وقفی، افزایش قیمت زمین و مستغلات در تهران از یک سو و گسترش طبقه متوسط از سوی دیگر مؤثر بوده است. اما در دو مورد، که هر دو جنبه فرهنگی دارد، تغییری حاصل نشد؛ یکی، در شیوه وقف و دیگری در انگیزه وقف. حاکمیت تفکر مرد سالار در جامعه تهران در هر دو دوره مورد بررسی، سبب شده بود که وصی یا وکیل واقف و نیز مدیریت مکان وقفی او به عهده پسران و فقط اولاد ذکور آنها واگذار شود. با اینکه آنها زن بوده اند هیچ‌گاه این مهم را به دختران خود واگذار نکرده اند. تحصیل، اشتغال و حتی حق رأی زنان نیز نتوانست تغییری در این روند ایجاد کند. از این رو به نظر می‌رسد با وجود تغییرات اجتماعی و فرهنگی دوره پهلوی، در عمق جامعه تغییر محسوسی نسبت به جایگاه زنان به وجود نیامده بود. دیگری، غالب بودن گرایش‌های مذهبی در جامعه است. با وجود آنکه در دوره پهلوی هم حکومت تظاهرات مذهبی مانند قاجارها نداشت و هم مردم را چندان به گرایش‌ها و تعلقات مذهبی هدایت نمی‌کرد، باز هم بیشترین وقف‌های زنان عمدتاً طبقه متوسط تهرانی همانند زنان طبقه مرفه دوره قبل با انگیزه مذهبی تحقق یافت. موضوعی که می‌تواند حکایت از سازگار نبودن برنامه‌های اجتماعی-فرهنگی بر مبنای غربی کردن جامعه با فرهنگ غالب جامعه تهرانی باشد. بخشی از وقف زنان تهرانی به منظور پاسخگویی به نیازهای جاری آحاد مردم بدون در نظر گرفتن قومیت، نژاد و عمدتاً دین و مذهب انجام می‌شده است. اما در دوره قاجاریه پاسخگویی به بعضی از این نیازها به توسعه کالبدی از طریق احداث تأسیسات و تجهیزات عمومی و زیربنایی، تغییر کاربری زمین و عمران و بهره‌برداری بهینه از آنها یا بازیافت اراضی ناکارآمد، توسعه درونی محلات، تقویت هویت محلات و ارتقای خدمات شهری نیز منتهی می‌شده است.



منابع:

۱. اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۷۴)، "توسعه و رشد شهر تهران در دوره ناصری (۱۲۶۹ - ۱۳۲۰ ق)", تحقیقات اسلامی، شماره ۱ و ۲، ۱۴۵-۱۷۳.
۲. احمدی، نزهت (۱۳۷۶)، "وقف نامه های بانوان در دوره صفوی"، میراث جاویدان، شماره ۱۹.
۳. احمدی، نزهت (بازخوانی و تحقیق) (۱۳۸۷)، وقف و گسترش امور درمانی با تکیه بر اسناد وقفی تهران، قم: کومه.
۴. احمدی، نزهت (۱۳۸۸)، "نجات فرزند انگیزه ای برای وقف (تحلیل بر وقف نامه مادر شاه سلیمان)"، دومین سمینار بین المللی زن در تاریخ اسلام.
۵. ارفع نیا، بهشید و دشتی زاده، مریم (۱۳۹۰)، "آثار الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در قانون مدنی"، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۱، صص ۹-۳۸.
۶. اسدپور، حمید (۱۳۸۲)، "بانوان بوشهری و سنت نبوی وقف، نگاهی به دو وقف نامه از بانوان بوشهری"، میراث جاویدان، شماره ۴۳.
۷. عظام قدسی، حسن (۱۳۴۹)، خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، تهران: ابوریحان.
۸. آلموند، گابریل و پاول، جی (۱۳۸۰)، "مشارکت و حضور شهروندان"، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۳.
۹. بابایی، ناصر و دیگران (۱۳۶۹)، نگرشی بر پدیده بی سرپرستی و مشکلات فرزندان دور از خانواده، تهران: انتشارات سازمان بهزیستی.
۱۰. بختیاری، مهناز و نوروزی، فیض الله (۱۳۸۸)، "مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن"، راهبرد، شماره ۵۳.
۱۱. پناهی، حسین (۱۳۸۳)، "اثر ویژگیهای فردی و مشارکت اجتماعی"، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶.
۱۲. پوراحمد، احمد و همکاران (۱۳۹۱)، "نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی"، باغ نظر، شماره ۲۹.
۱۳. توسلی، غلامعباس (۱۳۹۱)، "نظریه های جامعه شناسی، تهران: سمت.
۱۴. حکمت نیا، محمود (۱۳۹۰)، حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی زن، تهران، سازمان انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. حیدر آبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، "اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر آن"، جامعه شناسی مطالعات جوانان دوره اول.
۱۶. خسروی، محمدعلی (۱۳۷۴)، "موقوفات زنان در ایران"، میراث جاویدان، شماره ۱۰.
۱۷. خوشنودی، عفت (۱۳۹۰)، "وقف نامه مدرسه مریم بیگم. وقف"، میراث جاویدان، شماره ۷۴.
۱۸. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم. تهران: نشر نی.
۱۹. دهخدا (۱۳۷۲)، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. رضایی، امید (به کوشش) (۱۳۸۶)، فهرست اسناد موقوفات ایران، دفتر چهارم استان تهران و توابع از آغاز تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، تهران: اسوه.
۲۱. زیاری، کرامت الله (۱۳۹۴)، اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. ساروخانی، باقر و محمد امیر پناهی (۱۳۸۵)، "ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی"، پژوهش زنان، شماره ۳.
۲۳. ساعی، منصور (۱۳۸۷)، روش تحقیق تاریخی، شیوه ها و کاربردهای آن در ارتباطات، رسانه، شماره ۷۳، صص ۱۶۷-۱۸۶.
۲۴. سایت مرکز پیشگیری و کنترل سرطان آلاء.
۲۵. شاطری، مفید و طاهره جعفرزاده (۱۳۸۷)، "زن در فرهنگ و هنر"، پژوهش زنان، شماره ۱.
۲۶. شاه حسینی، پروانه (۱۳۹۵)، تأثیرات متقابل مکان های وقفی و توسعه شهر تهران در دوره قاجاریه، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره بیست و سوم، صص ۷۵-۸۴.
۲۷. شکوری، علی (۱۳۹۰)، مشارکت های اجتماعی و سازمان های حمایتی (باتأکید بر ایران)، تهران: سمت.
۲۸. شکوری، علی (۱۳۸۴)، "رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آنها"، رفاه اجتماعی، شماره ۱۸.
۲۹. شیرازیان، رضا (۱۳۹۴)، اطلس تهران قدیم، تهران: دستان.
۳۰. غفاری، غلامرضا، نیازی، محسن (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مشارکت، تهران، نشر نزدیک.
۳۱. فرهادی، مرتضی (۱۳۸۸)، انسان شناسی یادگیری، تهران: ثالث.
۳۲. قانون مدنی.

۳۳. قرآن مجید.
۳۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، حقوق مدنی عقود معین عطایا، چاپ سوم، تهران: گنج دانش.
۳۵. کائینی، محمدرضا (۱۳۹۱)، "پیشینه و کارکرد وقف در اسلام و تاریخ تمدن اسلامی"، وقف میراث جاویدان، شماره ۸۰ و ۷۹.
۳۶. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، "بررسی زمینه های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی"، وزارت جهاد کشاورزی.
۳۷. معتمدی، محسن (۱۳۸۱)، جغرافیای تاریخی تهران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۸. ملک زاده، الهام (۱۳۹۷)، مؤسسات خیریه رفاهی-بهداشتی ایران: در دوران پهلوی دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ شمسی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۹. ملک زاده، الهام و مرضیه افرافر (۱۳۹۵)، کارکردهای موقوفات زنان از مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول، فصلنامه پژوهشهای تاریخی، شماره دوم، صص ۲۵۷-۲۷۱.
۴۰. موسایی، میثم، سیانی، ملیحه (۱۳۸۹) "مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران"، رفاه اجتماعی، شماره ۳۸.
۴۱. مهدی زاده، مهدی (۱۳۸۵)، درآمدی بر موقوفات زنان"، میراث جاویدان، شماره ۵۰، صص ۵۲-۶۸.
۴۲. نظریان، اصغر (۱۳۷۰)، "گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک های اقماری"، تحقیقات جغرافیایی، سال ۶، شماره ۱.
۴۳. ورنر، کریستوف (۱۳۸۷)، "زنان واقف در تهران عهد قاجار"، ترجمه نسیم مجیدی قهرودی، میراث جاویدان، شماره ۲۸.
۴۴. وطنی، علی (۱۳۸۶)، "بررسی عوامل موثر بر افزایش انگیزه افراد در مشارکت اجتماعی در استان گلستان"، رساله کارشناسی ارشد جامعه شناسی.
۴۵. هارت، رابرت ای (۱۳۸۰)، مشارکت کودکان و نوجوانان از پذیرش سوری تا شهروندی واقعی، ترجمه فریده طاهری، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۴۶. یدالله پور، معصومه (۱۳۹۲)، "هویت زنان واقف در ایران نمونه موردی زنان آمل"، وقف میراث جاویدان، شماره ۸۴.
۴۷. یوکسل، حسن (۱۳۹۰)، "نقش زنان در نظام وقف عثمانی"، ترجمه علیرضا مقدم، وقف میراث جاویدان، شماره ۷۷ و ۷۸.
48. Borchgrevink Kaja (2016), Woman Engaging in Islamic Charity as "Development Agents", PRIO GPS update Issue .
49. Choj nacka Mni ca (۱۹۹۸) , "Wönen, Charity and Community in Early Modern Venice: The Casa del le Zitel le", The University of Chicago Press
50. Omer Duzbakar (2006), Charitable Women And Their Pious Foundations In The Ottoman Empire: The Hospital of the Senior Mother, Nurbanu, Valide Sultan, Uludag University, Bursa, Turkey.
51. http://en.wikipedia.org/wiki/outlhen_of_Iran
52. Ahmadi Nezhat (1997), Endowments of women during Safavid dynasty, Miras Javidan, Issue.19
53. Ahmadi Nezhat (reviewing and research) (2008), Endowment and development of treatment affairs by focusing on endowment documents of Tehran, Qom, Koheh
54. Ahmadi Nezhat (2009), Saving child a motivation for endowment (analysis of endowment for mother of Shah Soleiman), 2nd international seminar of women in history of Islam
55. Asadpour Hamid (2003), Bushehri women and Nabavi tradition of endowment, A look toward 2 endowments from women of Bushehri women, Miras Javidan, Issue.43
56. Almond Gabriel Pawel J (2001), Partnership and presence of citizens, Translated by Alireza Tayeb, Political and economic information, issue.163
57. Bakhtiyari, Mahnaz, Norouzi, Feizollah (2009), Social partnership and effective factors, Rahbord, Issue.53
58. Panahi Hossein (2004), Effect of individual properties and social partnership, Quarterly periodical of social sciences, issue.26
59. Pourahmad and et al (2012), Theories of Farabi and its application for partnership of citizens, Bag Nazar, Issue.29
60. Tavasoli Gholam Abbas (2012), Theories of sociology, Tehran, Samt publications

61. Heidarbad Abolghasem (2010), Social trust and social-cultural factors, Sociology for juvenile studies during first period
62. Khosravi Mohammad Ali (1995), Endowments of women in Iran, Miras Javidan, Issue.10
63. Khoshnoudi Efat (2011), Endowment of school of Maryam Beigem, Miras Javidan, Issue.74
64. Chalbi Masoud, 1996, Sociology of discipline, Tehran, Nei publications
65. Dekhoda (1993), Dictionary of Dekhoda, University of Tehran
66. Rezaee Omid (2007), List of endowment documents in Iran, 4th office of Tehran province and subsidiary from Feb.11, 1979 Tehran, Osveh
67. Ziyari Keramatollah (2015), Principles and methods of regional planning, Tehran, University of Tehran
68. Sarokhani, Bagher and Mohammad Amir Panahi (2006), Producing power in family and social partnership, Women studies, Issue.3
69. Shateri Mofid and Tahereh Jafarzadeh (2008), Women in culture and art, Women studies, Issue.1
70. Shokouri Ali (2011), Social partnership and support organizations (by focusing on Iran), Tehran, Samt Publications
71. Shokouri Ali (2005), Support behaviors and reasons of their outbreak, Social welfare, Issue.18
72. Shirazian Reza (2015), Atlas of old Tehran, Dastan
73. Ghafari Gholam Reza Niyazi Mohsen (2007), Sociology of partnership, Tehran, Nazdik publications
74. Farhad Morteza (2009), Anthropology of learning, Tehran, Saales publications
75. Qazvini Mohammad Kazem (2005), Fatemeh Zahra from birth to martyrdom, Translated by Ali Karami, Tehran, Morteza publications
76. Katouzian Naser (1999), Civil law for definite contracts, 3rd edition, Tehran, Ganje Danesh publications
77. Kaeini Mohammad Reza (2012), Backgrounds and applications of endowment in Islam and history of Islamic civilization, Miras Javidan, Issue.79 and 80
78. Mohsen Tabrizi Alireza (1990), Studying grounds of partnership of rural people and its relationship with developing agriculture, Ministry of Agriculture
79. Mousaei Meysam Siyani Maliheh (2010), Partnership in civil affairs and its obligations in Tehran, Social welfare, Issue.38
80. Nazarian Asghar (1991), Spatial development of Tehran and foundation of industrial parks, Geographical research, year.6, Issue.1
81. Verner Christoph (2009), Women performing endowment in Qajar dynasty, Translated by Nasim Majidi Ghahroudi, Miras Javidan, Issue.28
82. Vatani Ali (2007), Studying effective factors on increasing motivation of people on social partnership of Golestan province, Master's Degree thesis in sociology
83. Hart Robert (2001), Partnership of children and teenagers from fake adoption to being real citizen, Translated by Farideh Taheri, Tehran, Office for cultural researches.
84. Yadollahpour Masoumeh (2013), Identity of women performing endowment in Iran, Case-study of women in Amol, Miras Javidan, Issue.84.
85. Boksel Hassan (2011), Role of women on endowment system of Ottoman Empire, Translated by Alireza Moghadam, Miras Javidan, Issue.77 and 78.